

اولین کسی که دایره المعارف نوشت

نام دنی دیدرو با نام «دایره‌المعارف» و «دایره‌المعارف نگاری» در عصر روشنگری فرانسه گره خورده است.



نام دنی دیدرو با نام «دایره‌المعارف» و «دایره‌المعارف نگاری» در عصر روشنگری فرانسه گره خورده است. وی از کسانی بود که بنیان‌گذار این جریان بود و نقش مهمی در شکل‌گیری و ادامه این روند در جهان داشته است. دیدرو در اوایل قرن 18 در خانواده‌ای نه چندان مرفه در فرانسه زاده شد. پدرش چاقو ساز بود و دیدرو را برای تحصیلات روانه کلیسای یسوعی‌ها کرد اما وی به دلیل علاقه به ادبیات در رشته ادبیات تحصیل کرد. پس از پایان تحصیلات در این زمینه مدتی به ترجمه متون انگلیسی پرداخت.

دیدرو آنچنان در کار پر شور و با حرارت بود که خود را فراموش می‌کرد. او مردی بسیار فاضل بود و اساساً به هر چیزی علاقه داشت یا در مورد آن صاحب نظر بود. او کلامی آتشین و میلی سیری ناپذیر به دانستن داشت.

دیدرو مقاله‌ای با عنوان «دایره‌المعارف» نوشت. او در این مقاله متذکر شد که «دایره‌المعارف» به معنای پیوند همه علوم با یکدیگر است. وی معتقد بود که «دایره‌المعارف» عبارت از مجموعه معارفی است که روی کره زمین پراکنده شده است و ارائه طرح کلی مباحث و ساختارهای عمومی مربوط به آن به انسان‌هایی که در این کره زندگی می‌کنند و نیز انتقال این معارف به دیگران بسیار مفید است. از این رو به همراه دوستان خود که «اصحاب دایره‌المعارف» را در فرانسه تشکیل دادند به نوشتن آن پرداختند.

وی از اوایل سال 1745 تا اواخر 1772 به عنوان سردبیر و سرپرست گروه تدوین‌کننده دایره‌المعارف جامع مشغول به کار بود. دیگر همکارانی که به وی در این پروژه یاری می‌رساندند عبارت بودند از دالامبر، منتسکیو، ولتر، روسو و...

دنی دیدرو پس از مدتی در فرانسه بسیار مشهور شد و آوازه او از مرزهای فرانسه نیز فراتر رفت و به روسیه تزاری رسید. در آن دوران روسیه تزاری تحت حاکمیت کاترین کبیر اداره می‌شد و ملکه روسیه نسبت به تحولات صورت گرفته در فرانسه بسیار خوش بین بود و از این رو از «اصحاب دایره‌المعارف» همواره به نیکی یاد می‌کرد و حتی با آن‌ها نامه نگاری‌هایی نیز داشت. از این رو کاترین کبیر در سال 1773 از دیدرو خواست تا به روسیه سفر کند و وی به روسیه سفر کرد و مدتی به آموزش ملکه پرداخت.

دیدرو تنها یک فیلسوف نبود بلکه رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و منتقد هنری نیز بود. یکی از بهترین آثار وی که به گمان بسیاری از منتقدان از بهترین آثار وی محسوب می‌شود «ژاک قضا و قدری و اربابش» نام دارد. برخی از منتقدان معتقدند که این اثر در کنار آثار برجسته عرصه رمان همچون «دنی کیشوت» اثر سروانتس قرار دارد.

این اثر در بین سال‌های 1765 تا 1784 نوشته شد، اما دوازده سال پس از مرگ دیدرو در سال 1796 منتشر شد. این اثر ساختاری به مانند رمان ندارد و بنا به قول برخی منتقدین یکی از آثار اولیه در قالب «ضد رمان» است. برخی دیگر از آثار او عبارتند از «پسر نامشروع»، «پدر خانواده»، «برادر زاده رامو»، «نامه در باب نابینایان» و هستند.

دیدرو یکی از اندیشمندان قرن 19 بود اما شهرت و نبوغ او زیر سایه سنگین هم‌عصرانی چون ولتر و روسو قرار داشت.